



بصیرت

بصیرت به معنای شناخت **حقیقت** و قدرت **درک** صحیح امور می باشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - بصیرت در لغت
- ۲ - بصیرت در اصطلاح
- ۳ - بصیرت از دیدگاه امیرالمومنین
- ۴ - بصیرت در آینه روایات
- ۴.۱ - اهمیت بصیرت در روایات
- ۵ - بصیرت در قرآن
- ۶ - آثار بصیرت
- ۶.۱ - توحید
- ۶.۲ - درخواست بازگشت در آخرت
- ۶.۳ - عبرت آموزی
- ۶.۴ - سود شخصی
- ۷ - ابزار بصیرت
- ۸ - اهل بصیرت
- ۹ - اسباب بصیرت
- ۱۰ - مانع بصیرت
- ۱۱ - بصیرت در حادثه عاشورا
- ۱۲ - پانویس
- ۱۳ - منبع

بصیرت در لغت

بصیرت در لغت، به معنای **عقیده قلبی**، **شناخت**، **یقین**، **زیرکی** و **عبرت** آمده است. [۱]

بصیرت در اصطلاح

بصیرت در اصطلاح، عبارت است از **فوه‌ای** در **قلب** شخص، که به **نور قدسی** منور بوده، به وسیله آن حقایق اشیا و امور را **درک** می‌کند؛ همان‌گونه که شخص به وسیله **چشم**، **صُور** و **ظواهر** اشیا را می‌بیند. [۲]

بصیرت از دیدگاه امیرالمومنین

برخی گفته‌اند: شناخت روشن و یقینی از **دین**، **تکلیف**، **پیشوا**، **حجت خدا**، **راه**، **دوست** و **دشمن**، **حق** و **باطل**، «بصیرت» نام دارد. [۳] چنانچه **حضرت امیر علیه السلام** از **رزمندگان** راستین با این صفت یاد می‌کند که: «حَمَلُوا بِصَائِرِهِمْ عَلَىٰ اسْيَافِهِمْ؛ [۴] [۵] بصیرت های خویش را بر شمشیرهایشان سوار کردند. یعنی اگر در **میدان نبرد**، تیغ می‌زدند از روی بصیرت بود.»

بصیرت در آینه روایات

در مورد اهمیت و **ارزش** بصیرت و اینکه منظور از بصیرت، کدام قسم آن است به چند **حدیث** اکتفا می‌کنیم.
۱- **پیامبر خدا** صلوات الله علیه می‌فرماید: «**کور** آن نیست که چشمش نابینا باشد بلکه **کور** (واقعی) آن کسی است که **دیده** بصیرتش **کور** باشد.» [۶]
۲- **حضرت امام علی** علیه السلام می‌فرماید: «اگر دیده بصیرت، **کور** باشد نگرستن چشم **سودی** نمی‌دهد.» [۷]
۳- **حضرت امام علی** علیه السلام می‌فرماید: «با بصیرت کسی است که بشنود و ببیند، **نگاه** کند و ببیند، از عبرت‌ها **بهره** گیرد آنگاه راه روشنی را ببیند که در آن از افتادن در پرتگاه‌ها به دور ماند.» [۸]

← اهمیت بصیرت در روایات

همانطور که از احادیث فوق استفاده می‌شود **بینش** و آگاهی، در مورد کارهایی که **انسان** انجام می‌دهد، بخصوص اعمال فردی و اجتماعی، حائز اهمیت فوق العاده بوده و در صورت نبود بینش کافی، مخصوصاً در برهه‌های حساس زندگی، آدمی را تا مرحله افتادن در پرتگاه‌ها و خروج از **صراط مستقیم الهی** پیش می‌برد.

بصیرت در قرآن

ماده بصیرت در **ضمن آیات قرآن**، در سه معنی بکار برده شده است.

- ۱- بمعنی بینائی **دل**: چنانکه درآیه مبارکه می‌فرماید: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ» [۹] هرگز کور دل و **روشن ضمیر** یکسان نیستند.»
- ۲- بمعنی بینائی چشم: چنانکه درآیه مبارکه می‌فرماید: «فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» [۱۰] (بدین جهت) او را **شنوا** و **بینا** قرار دادیم!»
- ۳- بمعنی بینائی با **برهان** [۱۱] و **دلیل**: چنانکه درآیه مبارکه می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا» [۱۲] انسان غافل در روز **قیامت** می‌گوید خدایا چرا مرا نابینا **محوشور** کردی و حال آنکه من در **دنیا** بینا و آگاه بودم؟»

آثار بصیرت

بصیرت نیز مانند سایر مباحث اخلاقی، دارای آثار بخصوصی است که در زیر به آن می‌پردازیم:

← توحید

از جمله آثار بصیرت، ره یافتن به **توحید** و **قدرت** خدا می‌باشد. در این مورد در آیه شریفه چنین وارد شده است: «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ ... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ ...» [۱۳] بگو: چه کسی پروردگار **آسمان‌ها** و **زمین** است؟ بگو: **الله!** (سپس) بگو: آیا **اولیا** (و خدایانی) غیر از او برای خود برگزیده‌اید که (حتی) **مالک** سود و **زیان** خود نیستند (تا چه رسد به شما؟! بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند؟! یا **ظلمت‌ها** و نور برابرند؟! آیا آنها **همتایانی** برای خدا قرار دادند بخاطر اینکه آنان همانند خدا آفرینشی داشتند و این **آفرینش‌ها** بر آنها **مشتبه** شده است؟! بگو: خدا **خالق** همه چیز است؛ و اوست یکتا و پیروز!»

← درخواست بازگشت در آخرت

از دیگر آثار بصیرت و روشن‌بینی، درخواست **مجرمان** در قیامت، برای **رجوع** به دنیا است، چنانچه قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا لَعَلَّآ إِنَّا مُوقِنُونَ» [۱۴] و اگر ببینی مجرمان را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان سر به زیر افکنده، می‌گویند: پروردگارا! آنچه **وعده** کرده بودی دیدیم و شنیدیم؛ ما را بازگردان تا کار شایسته‌ای انجام دهیم؛ ما (به قیامت) یقین داریم!»

← عبرت آموزی

عبرت‌آموزی نیز یکی دیگر از آثار بصیرت می‌باشد.

(۱) خداوند متعال می‌فرماید: «قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا... يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» [۱۵] در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر) با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می‌کرد و جمع دیگری که **کافر** بود (در راه **شیطان** و **بت**) در حالی که آنها (گروه **مؤمنان**) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می‌دیدند. (و این خود عاملی برای **وحشت** و **شکست** آنها شد) و خداوند هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) با **یاری** خود **تأیید** می‌کند. در این، عبرتی است برای بینایان!»

(۲) در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» [۱۶] حال این دو گروه (مؤمنان و منکران، حال «نابینا و کر» و «بینا و شنوا» است؛ آیا این دو، همانند یکدیگرند؟! آیا **پند** نمی‌گیرند؟!»

برای **مطالعه** بیشتر می‌توانید به **آیه ۴۴ سوره نور** [۱۷]، **آیه ۵۸ سوره غافر** [۱۸] و **آیه ۲ سوره حشر** [۱۹]، مراجعه کنید.

← سود شخصی

حصول منفعت برای خود فرد، یکی دیگر از نتایج بصیرت و ژرف نگری می‌باشد [۲۰] چنانچه می‌فرماید: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ...» [۲۱] دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که (به وسیله آن، حق را) ببیند، به سود خود اوست؛...»

ابزار بصیرت

برای شناخت و درک صحیح از حقایق، مسلماً ابزارهایی مورد نیاز است که در زیر به آنها پرداخته شده است.

(۱) چشم: از جمله ابزار شناخت و درک **صحیح** حقایق، چشم است چنانچه می‌خوانیم: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ... وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا...» [۲۲] به یقین، گروه بسیاری از **جن** و **انس** را برای **دورخ** آفریدیم؛... آنها چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند؛...»

خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً...» [۲۳] ما به آنها (قوم عاد) قدرتی دادیم که به شما ندادیم و برای آنان **گوش** و چشم و دل قرار دادیم؛ (اما به هنگام **نزول عذاب**) نه گوش‌ها و چشم‌ها و نه عقل‌هایشان برای آنان هیچ سودی نداشت؛ چرا که آیات خدا را **انکار** می‌کردند؛...»

(۲) قلب: قلب نیز یکی دیگر از ابزار بصیرت و درک حقایق می‌باشد در همین **زمینه** می‌خوانیم: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا...» [۲۴] به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دورخ آفریدیم؛ آنها دل‌ها (عقل‌ها) بی دارند که با آن **اندیشه** نمی‌کنند (و نمی‌فهمند؛...»

(۳) گوش: گوش نیز از جمله ابزارهای شناخت و درک صحیح حقایق می‌باشد. می‌خوانیم: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ... وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا...» [۲۵] به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دورخ آفریدیم؛... آنها گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند؛...»

اهل بصیرت

کسانی که اهل بصیرت می‌باشند چنین معرفی شده اند:

(۱) حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت **ابراهیم** علیه السلام از جمله کسانی بود که از بصیرت برخوردار بوده چنانچه قرآن می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ» [۲۶] و این چنین، **ملکوت** آسمان‌ها و زمین (و **حکومت مطلقه** خداوند بر آنها) را به ابراهیم نشان دادیم؛ (تا به آن **استدلال** کند،) و اهل یقین گردد.»

(۲) انابه‌کنندگان

بنده انابه‌کننده (کسانی که به **دراگاه** خداوند **انابه** کردند) از انسان‌های روشن‌ضمیر و اهل بصیرت می‌باشد: «تَبَصَّرَةٌ وَدِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُّبِينٍ» [۲۷] تا **وسیله** بینایی و یادآوری برای هر بنده **توبه** کاری باشد!»

(۳) بندگان خاصّ خدا

برخورد آگاهانه بندگان شایسته خداوند، به هنگام ذکر آیات پروردگارشان، موجب قرار گرفتنشان در شمار اهل بصیرت می‌شود: «بندگان (خاص خداوند) رحمان... کسانی هستند که هرگاه آیات پروردگارشان به آنان گوشزد شود، کر و کور روی آن نمی‌افتند.» [۲۸] [۲۹]

(۴) حضرت محمد صلوات الله علیه

پیامبر گرامی اسلام حضرت مجد صلوات الله علیه نیز از **ضمیری** روشن و آگاه برخوردار بودند. قرآن درباره ایشان می‌فرماید: «بگو: این راه من است من، با بصیرت به سوی خدا دعوت می‌کنم!...» [۳۰]

(۵) متقین

پرهیزکاران، از انسان‌های بیدار دل در **مصاف** یا **وسوسه‌های** شیطانی هستند: «پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا) و **پاداش** و **کیفر** او می‌افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند.» [۳۱]

اسباب بصیرت

چیزهایی که موجب پیدای بصیرت در انسان می‌شوند عبارتند از:

(۱) آخرت‌اندیشی

آخرت‌اندیشی، سبب پیدایش بصیرت در انسان می‌شود، قرآن می‌فرماید: «و به خاطر بیاور بندگان ما... را، صاحبان دست‌ها(ی نیرومند) و چشم‌ها(ی بینا)! ما آن‌ها را با خلوص ویژه‌ای خالص کردیم و آن یادآوری سرای **آخرت** بود!» [۳۲]

(۲) آیات خدا

آیات الهی در زمین و انسان (**آفاقی** و **انفسی**)، از عوامل بصیرت می‌باشد: «و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در **وجود** خود شما (نیز آیاتی است): آیا نمی‌بینید؟!» [۳۳]

(۳) امدادهای خدا

امدادهای الهی مثل **پیروزی مسلمانان در غزه بدر**، از عوامل عبرت و بصیرت می‌باشد: «در دو گروهی که (در میدان **جنگ بدر**) با هم رو به رو شدید، نشانه (و) درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می‌کرد؛ و جمع دیگری که کافر بود... در این، عبرتی است برای بینایان (اهل بصیرت)!» [۳۴]

(۴) تقوا

تقوا و پرهیزکاری، از عوامل روشنایی ضمیر و بیداردلی می‌باشد: «پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به **یاد** (خدا) و **پاداش** و **کیفر** او می‌افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند.» [۳۵]

(۵) کتب آسمانی مثل قرآن و تورات

محتوای کتاب‌های آسمانی مانند قرآن و **تورات**، مایه درک **عمیق** و بصیرت مردم است: «... بگو: من تنها از چیزی **پیروی** می‌کنم که بر من **وحی** می‌شود؛ این وسیله بینایی از طرف پروردگارتان است...» [۳۶] «و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم بعد از آنکه اقوام قرون نخستین را **هلاک** نمودیم؛ کتابی که برای مردم بصیرت‌آفرین بود...» [۳۷]

مانع بصیرت

غفلت انسان در دنیا، **مانع** بصیرت نسبت به حقایق آخرتی است: «(به او **خطاب** می‌شود) تو از این صحنه (و **دادگاه** بزرگ) **غافل** بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم و امروز چشمت کاملاً تیزبین است!» [۳۸]

بصیرت در حادثه عاشورا

حماسه آفرینان **عاشورا**، بی‌هدف و کورکورانه به **کربلا** نیامده بودند. آنان اهل بصیرت بودند؛ هم نسبت به درستی و حقانیت راه و **رهبرشان**، هم به اینکه وظیفه‌شان **جهاد** و یاری امام است. [۳۹]

پانویس

- ↑ لسان‌العرب، ابن منظور، ج۴، ص۶۵، واژه «بصر».
- ↑ فرهنگ قرآن، اکبر هاشمی رفسنجانی، ج۶، ص۲۶۴.
- ↑ پیام‌های عاشورا، جواد محدثی، ص۲۵۵-۲۵۷.
- ↑ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج۹، ص۱۳۰.
- ↑ نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه فیض الاسلام، طبع ۱۵۰، ص۴۶۰.
- ↑ میزان الحکمة، مجد مهدی ری شهری، ج۱، ص۵۵۸.
- ↑ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد آمدی، ص۴۱.
- ↑ نهج البلاغه، سید رضی، خطبه ۱۵۲، ص۴۷۲.
- ↑ فاطر/سوره ۲۵، آیه ۱۹.
- ↑ انسان/سوره ۷۶، آیه ۳.
- ↑ أنوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داور پناه، ج۷، ص۲۰۴.
- ↑ طه/سوره ۲۰، آیه ۱۲۵.
- ↑ رعد/سوره ۱۳، آیه ۱۶.
- ↑ سجده/سوره ۲۳، آیه ۱۲.
- ↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۳.
- ↑ هود/سوره ۱۱، آیه ۲۴.
- ↑ نور/سوره ۲۴، آیه ۴۴.
- ↑ عافر/سوره ۴۰، آیه ۵۸.
- ↑ حشر/سوره ۵۹، آیه ۲.
- ↑ فرهنگ قرآن، اکبر هاشمی رفسنجانی، ج۶، ص۲۶۴.
- ↑ انعام/سوره ۶، آیه ۱۰۴.
- ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۱۷۹.
- ↑ احقاف/سوره ۴۶، آیه ۲۶.
- ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۱۷۹.
- ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۱۷۹.
- ↑ انعام/سوره ۶، آیه ۷۵.
- ↑ ق/سوره ۵۰، آیه ۸.
- ↑ فرقان/سوره ۲۵، آیه ۶۳.

- ۲۹. ↑ فرقان/سوره ۲۵، آیه ۷۲.
- ۳۰. ↑ یوسف/سوره ۱۲، آیه ۱۰۸.
- ۳۱. ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۲۰۱.
- ۳۲. ↑ ص/سوره ۳۸، آیه ۴۵-۴۶.
- ۳۳. ↑ ذاریات/سوره ۵۱، آیه ۲۰-۲۱.
- ۳۴. ↑ آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۳.
- ۳۵. ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۲۰۱.
- ۳۶. ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۲۰۲.
- ۳۷. ↑ قصص/سوره ۲۸، آیه ۴۳.
- ۳۸. ↑ ق/سوره ۵۰، آیه ۲۳.
- ۳۹. ↑ پیامهای عاشورا، جواد محدثی، ص ۲۵۵.

منبع

سایت پژوهه

رده‌های این صفحه : [اخلاق اسلامی](#) | [فضائل اخلاقی](#) | [ویژگی های مومن](#)